

خلفيات و عوامل ظهور كتابة تاريخ الفرق عند المسلمين

وحيد سعيدى^١

مصطفى پيرمراديان^٢

أصغر منتظر القائم^٣

تدوين تاريخ الفرق هو واحدٌ من أنواع التدوين التاريخى الإسلامى، و هو نتيجة لتوجه المتكلمين نحو تاريخ تطور العقائد، و سير تحول عقائد المذاهب، و التيارات الفكرية و الثقافية فى عالم الإسلام. يشير هذا البحث، و بالاستناد إلى المنابع الأصلية، و بالاعتماد على المنهج الوصفى التحليلى، إلى تبين العوامل و الخلفيات المؤثرة فى ظهور التدوين المذهبى، و ارتباط ذلك فى التدوين التاريخى.

كما توضح هذه المقالة الأسباب التى أدت إلى النشأة و التغيير فى منابع تدوين المذاهب، و منها تأثير المناخ السياسى و الاجتماعى فى المجتمع الإسلامى، فى العصر العباسى (٦٥٦-١٣٢هـ)، بالإضافة إلى ترجمة النصوص الغير إسلامية إلى جانب العقائد المذهبية، شروط الطائفية، و الاستفادة من الطرق المرتبطة بالتدوين التاريخى، كل ذلك أدى إلى ظهور و تحول فى منابع الفرق.

١. طالب دكتوراه فى تاريخ الإسلام، جامعة أصفهان: v.saeidi61@gmail.com.

٢. أستاذ مشارك فى اختصاص تاريخ الإسلام، جامعة أصفهان: tafapirmoradian@yahoo.com.

٣. أستاذ تاريخ فى جامعة أصفهان: montazer5337@yahoo.com.

الكلمات الرئيسية: تاريخ الفرق ، تدوين تاريخ الفرق الإسلامية، المتكلمين، الفرق
والمذاهب الإسلامية، العصر العباسي.

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و دوم، شماره هشتاد و پنجم

بهار ۱۴۰۰

زمینه‌ها و عوامل پیدایش فرقه‌نگاری نزد مسلمانان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۱۷

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۲/۱۹

۱ وحید سعیدی

۲ مصطفی پیرمردیان

۳ اصغر منتظرالقائم

فرقه‌نگاری یکی از انواع تاریخ‌نگاری اسلامی و پی‌آمد پرداختن متکلمان به تاریخ‌تطور اندیشه‌ها و سیر تحول عقاید مذاهب و جریان‌های فکری و فرهنگی در جهان اسلام است. پژوهش پیش‌رو با استناد به منابع اصلی و با شیوه وصفی - تحلیلی درصدد است، زمینه‌ها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری فرقه‌نگاری و ارتباط آن را با تاریخ‌نگاری بررسی کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، فضای سیاسی - اجتماعی جامعه اسلامی در دوره خلافت عباسی (۶۵۶ - ۱۳۲ ه.ق.)، ترجمه متون غیر اسلامی در کنار اندیشه‌های مذهبی، شرایط فرقه‌ای فرقه‌نگاران و بهره‌گیری از شیوه‌های تاریخ‌نگاری، تأثیری چشمگیر بر شکل‌گیری و تحول منابع فرقه‌نگاری داشته است

کلیدواژگان: فرقه‌نگاری، تاریخ‌نگاری اسلامی، متکلمان، فرق و مذاهب اسلامی،

عصر عباسی.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان: (v.saeidi61@gmail.com).

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان: (mostafapirmoradian@yahoo.com).

۳. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان: (montazer5337@yahoo.com).

۱. مقدمه

۱-۱. تبیین مسئله

توجه به تاریخ‌نگاری در میان مسلمانان از نظر موضوعی، طیف وسیعی را در بر می‌گیرد. سیره و مغازی رسول‌الله ﷺ، تاریخ انبیا، تاریخ امم و قرون، فتوح نگاری، تاریخ خلفا، سلاطین، وزرا، تاریخ محلی، تاریخ مذاهب و فرق، طبقات و رجال، وفیات، مزارات و حتی تاریخ زلزله‌ها و آتش سوزی‌ها^۱ از موضوعاتی هستند که بارها در تمام دنیای اسلام، توجه تاریخ‌نویسان را برانگیختند و در هر یک از این موضوع‌ها، کتاب‌های بسیاری نوشته شده است.^۲

یکی از مهم‌ترین، مسائلی که مسلمانان پس از رحلت رسول‌الله ﷺ با آن روبه‌رو شدند، اختلاف بر سر مسئله جانشینی آن حضرت بود. پس از ماجرای سقیفه و شکل‌گیری خلافت اسلامی، مسلمانان در دو گروه پیروان امامت امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام و هواداران خلافت خلفا قرار گرفتند. حاصل این اختلاف، ایجاد اولین دسته‌بندی‌های سیاسی و تا حدی اعتقادی در جامعه اسلامی بود.

باگذشت زمان، دسته‌بندی‌ها گسترش بیشتری پیدا کرد و همراه با تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی، مرزبندی‌های فکری، عقیدتی و کلامی نیز به تبع آن‌ها ایجاد شد. دامنه اختلافات در گزارش‌های تاریخی نمود یافت و در قالب آثار متعدد، روایت‌هایی متفاوتی از وقایع تاریخی بازآفرینی شد. فرآیند فتوح و آشنایی مسلمانان با جوامع و فرهنگ‌های بیگانه، دید تازه و متفاوتی را به روی آن‌ها گشود و در زمینه‌های فکری و

۱. سخاوی در کتاب *الاعلان بالتبویخ لمن ذم التاریخ*، ص ۳۰۱ به این موضوعات می‌پردازد و از قطب‌الدین محمد بن احمد بن علی القسطلانی صاحب کتاب *جمل الایجاز فی العجاز به نارالحجاز* یاد می‌کند.

۲. عبدالحسین زرین‌کوب، *تاریخ در ترازو*، ص ۶۷.

کلامی تأثیر نهاد. با این وجود نمی‌توان با قاطعیت اثر پذیری از این اندیشه‌ها را قبول کرد و با اطمینان هم نمی‌توان این اثر پذیری را رد کرد.^۱

جریان‌های موجود به صورت تدریجی، صورت‌بندی کلامی - اعتقادی و فقهی پیدا کردند و از دیگر فرقه‌ها تمایز یافتند. روند تولید نظریه با مرزبندی مشخص، نسبت به دیگر جریان‌های فکری تا زمان عباسیان، پله به پله رشد کرد و تکامل یافت. در دوره عباسی با ورود متون غیر اسلامی و ترجمه آن‌ها و حضور دانشمندان غیر مسلمان در مرکز خلافت عباسی، لزوم چارچوب‌مند شدن اندیشه‌های اسلامی که پیش از این، جرقه‌های اولیه آن زده شده بود، بیش از پیش احساس می‌شد.

این نیاز، مقدمات تشکیل علم کلام گردید و به مرور کلام اسلامی، رونقی دو چندان یافت. متکلمان با آشنایی با فنون جدل و مناظره از دین در برابر شبهات غیر مسلمانان به خوبی دفاع می‌کردند، اما در مواجهه با گروه‌های مسلمان برای رد آرای آن‌ها و اثبات عقاید خود، به گونه‌ای عمل می‌کردند که زمینه ساز اختلافات بیشتر و گمراهی بود. یکی از روش‌های آن‌ها، نگارش کتاب‌های ملل و نحل یا به اصطلاح فرقه‌نگاری بود.

ویژگی خاص این گونه آثار، توجه به اندیشه‌های مذهبی توأم با اطلاعات تاریخی بود. در واقع، منابع فرقه‌نگاری که با عناوینی هم‌چون ملل و نحل، المقالات، الفرق و غیره نام‌گذاری می‌شدند، تلاش داشتند با رویکردی تاریخی به موضوع فرقه‌ها و گروه‌های فکری جامعه بپردازند. این منابع از ابعاد گوناگونی، مهم و قابل بررسی هستند و با مطالعه و تحلیل آن‌ها و تأمل در سطور نانوشته‌ای که در پشت افکار نویسندگان این آثار پنهان است، می‌توان جنبه‌های مختلفی از تاریخ اجتماعی، تاریخ مذاهب، تاریخ فرهنگی، تاریخ فکر و اندیشه و تاریخ علم کلام و سیر تحول این موضوعات را بازنمایی کرد.

۱. حسین صابری، تاریخ فرق اسلامی، ج ۱، ص ۸۹.

مقاله پیش رو درصدد است، فرقه‌نگاری را به‌عنوان روشی در حوزه تاریخ‌نگاری مورد مطالعه و پژوهش قرار دهد و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تحول آن را بررسی کند. فرضیه مقاله این است که تاریخ‌نگاری فرق، یکی از انواع تاریخ‌نگاری است که حاصل تعامل علم تاریخ و علم کلام بوده است و تحولات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در شکل‌گیری و تحول آن، نقش مؤثری داشته‌اند. روش تحقیق به شکل تبیین تاریخی و توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع اصلی است.

۱-۲. پیشینه تحقیق

۱. رسول جعفریان در مقاله *گزیده کتاب‌شناسی توصیفی فرق اسلامی*، کتاب‌شناسی توصیفی فرق را ارائه می‌کند و سی و هفت اثر را در این زمینه، مورد بررسی مختصر قرار می‌دهد. این کتاب‌شناسی، منابع ده قرن اول اسلامی را به‌گونه‌ای گزینشی در بر دارد و به صورت تخصصی به تاریخ‌نگاری فرق وارد نمی‌شود.

۲. سید صادق سجادی در کتاب *تاریخ‌نگاری در اسلام* در بحث گونه‌های تاریخ‌نگاری به تاریخ‌نگاری فرق می‌پردازد و به صورت مختصر، چند اثر را در این زمینه معرفی می‌کند.

۳. علی آقانوری در *درآمدی بر شناخت مشهورترین آثار ملل و نحل (ویژگی‌ها و کاستی‌ها)* با هدف آسیب‌شناسی آثار فرقه‌نگاری، کتاب‌هایی را که به‌طور مستقیم به تاریخ عقاید ارتباط دارد، دسته‌بندی می‌کند. او به بررسی ویژگی‌ها و کاستی‌های پانزده کتاب از قرن سوم تا قرن نهم هجری می‌پردازد و محتوای کلی آن‌ها را مورد اشاره قرار می‌دهد. این مقاله از نظر بازه زمانی و محدوده مطالعاتی، بسیار گسترده است و فرصت پرداختن به بسیاری از موارد را نداشته است و هدف او بررسی و نقد تاریخ‌نگاری نبوده است.

۴. محمد جواد مشکور در کتاب فرهنگ فرق اسلامی به صورت فرهنگ‌نامه به فرقه‌ها می‌پردازد و آن‌ها را معرفی می‌کند. در مقدمه این کتاب، مباحثی درباره تاریخ‌نگاری اجتماعی و تاریخ مذاهب ارائه شده است.

۵. نعمت الله صفری فروشانی در مقاله راهنمای مطالعات فرقه‌شناسی اسلامی به طور مفصل با ارائه کلیاتی درباره علم فرقه‌شناسی اسلامی به معرفی آثار برجسته فرقه‌شناسی می‌پردازد، اما فضای محدود مقاله و هدف نویسنده به گونه‌ای است که ایشان در پی بررسی علل رکود نوشتن این گونه از کتاب‌ها و ارائه راه‌حلهایی برای رفع آن است.

۳-۱. معنا، ماهیت و محتوای تاریخ‌نگاری فرق

حجم بسیار بالایی از میراث مکتوب مسلمانان به منابع فرقه‌نگاری اختصاص دارد که بیان‌گر جایگاه و اهمیت این منابع در میان مسلمانان است.^۱ واژه‌های گوناگونی در عناوین منابع فرقه‌نگاری به کار رفته است که بیشتر آن‌ها، همان معنای فرقه، دسته و گروه را می‌دهند، مانند صنف در کتاب *صنوف و الفرق* که ناظر بر دسته‌بندی‌های کلامی است و بر اساس نام متکلمان دسته‌بندی شده است.^۲

۱-۳-۱. تعریف فرقه

فرقه از ماده فرق گرفته شده است و مفهوم اصلی آن جدا کردن، گسستن و شکافتن است.^۳ از این تعریف، معانی تازه‌تری چون تفاوت نهادن و باز شناختن از هم‌دیگر نیز در منابع وجود دارد.^۴ این واژه در قرآن کریم و دیگر متون دینی با همین معنی لغوی به کار

۱. برای نمونه، رک: محمدتقی دانش‌پژوه، کتاب‌شناسی فرق و ادیان، ص ۹۸-۱۲۱؛ رسول جعفریان، گزیده کتاب‌شناسی توصیفی فرق اسلامی.

۲. طوسی، اختیار معرفة الرجال معروف به رجال کشی، ص ۵۴۲.

۳. افراهم البستانی، المنجد، ص ۴۹۹.

۴. محمد معین، فرهنگ معین، ج ۲، ص ۱۱۶۹.

رفته است.^۱ فراهیدی (د. ۱۷۵ ه.ق.) فرق را گروهی از مردم و از هر چیزی می‌داند و برخلاف برخی از فرقه‌شناسان که فریق را به معنای فرقه گرفته‌اند، این واژه را به جماعت و طایفه‌ای از مردم که تعداد نفرات ایشان از فرقه بیشتر باشد، معنا می‌کند.^۲

فرقه در مورد گروهی به کار می‌رود که در درون یک دین مشخص و با حفظ دیدگاه‌های مشترک با دیگر گروه‌های همتای خود در مسائل و مباحثی کلامی و فکری اختلاف دارند. از این زاویه، فرقه برابر نهاده‌ای برای نحله است که در منابع برابر ملة به کار رفته است. هنگامی که از ملل و نحل سخن به میان می‌آید مقصود از ملل، پیروان دین‌ها و آیین‌های مستقل از هم و مقصود از نحل پیروان نگرش‌ها یا دیدگاه‌هایی خاص درون یک دین مشخص است.^۳

این کلمه، عنوان برخی از منابع فرقه‌نگاری است که در فهرست‌ها از آن‌ها یاد شده است، مانند *الفرق* شیخ صدوق (د. ۳۸۱ ه.ق.)، *الفرق* ابویوسف یعقوب بن اسحاق بن سکیت (د. ۲۴۴ ه.ق.)^۴، *فرق الشیعة* عبدالله بن ابی‌زید احمد بن یعقوب بن نصر الانباری ابوطالب (د. ۳۵۶ ه.ق.)، *فرق الشیعة و المقالات* ابوالقاسم نصر بن صباح بلخی (زنده در نیمه دوم قرن ۵ ه.ق.)^۵ که از میان آن‌ها، تنها *فرق الشیعة* نوبختی برجای مانده است.

۱. فیروز آبادی، *قاموس المحيط و القابوس الوسیط فی اللغة*، ج ۳، ص ۲۷۴؛ راغب اصفهانی، *المفردات فی غریب القرآن*، ج ۱، ص ۳۷۷-۳۷۸.
۲. فراهیدی، *کتاب العین*، ج ۵، ص ۱۴۷-۱۴۹؛ افرام البستانی، *المنجد* ص ۴۹۹؛ محمد معین، *فرهنگ معین*، ج ۲، ص ۱۱۷۰.
۳. حسین صابری، *تاریخ فرق اسلامی*، ص ۱۶-۱۷.
۴. شیخ آقا بزرگ تهرانی، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، ج ۱۶، ص ۱۷۴.
۵. نجاشی، *رجال نجاشی*، ج ۱، ص ۲۳۲-۲۳۳، ۴۲۸؛ طوسی، *رجال کشی*، ج ۱، ص ۱۸، ش ۴۲.

۲-۳-۱. مقالات

واژه دیگری که در منابع دیده می‌شود، کلمه مقالات است. مقاله از ریشه قول است: قال يقول قولاً قیلاً و قوله و مقالا و مقاله و قول کلام منظمی است که نزد محقق هر لفظ است که از زبان جاری شود.^۱ مقاله به معانی قول، مذهب و بحث کوتاه در علم، ادب و سیاست است که در صحیفه یا جمله‌ای منتشر شود.^۲

حاجی خلیفه عنوان علم المقالات را در معرفی کتاب‌های فرقه‌نگاری به کار می‌گیرد^۳ که در عناوین کتاب‌هایی مانند المقالات یا اختلاف الشیعة و المقالات ابو عیسی محمد بن هارون بن محمد وراق (د. ۲۴۲ ه.ق.)^۴، المقالات جیهانی (د. ۳۶۷ ه.ق.)^۵، المقالات شیخ ابومنصور محمد بن محمد ماتریدی^۶ (د. ۳۳۳ ه.ق.)، المقالات فی اصول الدیانات من الخوارج و المعتزلة و الشیعة علی بن حسین مسعودی (د. ۳۴۶ ه.ق.)^۷ مقالات یا المقالات الخوارج ابوعلی الحسین بن علی بن یزید مهلبی کرابیسی (د. ۲۵۶ ه.ق.)^۸ به کار رفته است. مقالات الفرق سعد بن عبدالله اشعری (د. ۳۰۱ ه.ق.) و مقالات الاسلامیین ابوالحسن اشعری (د. ۳۲۴ ه.ق.) باقی مانده است.

۱. ابن منظور، لسان العرب، ص ۵۷۳.

۲. ابراهیم مصطفی، معجم الوسیط، ص ۷۶۷.

۳. حاجی خلیفه، کشف الظنون عن اسامی کتب و الفنون، ج ۲، ص ۱۷۸۲.

۴. ابن ندیم، الفهرست، ص ۳۱۶؛ نجاشی، رجال نجاشی، ج ۲، ص ۲۸۰-۲۸۱؛ آقا بزرگ تهرانی،

الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲۱، ص ۳۸۸.

۵. ابن ندیم، الفهرست، ص ۲۲۸.

۶. حاجی خلیفه، کشف الظنون عن اسامی کتب و الفنون، ج ۲، ص ۱۷۸۲.

۷. آقا بزرگ تهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲۱، ص ۳۹۲.

۸. ابن ندیم، الفهرست، ص ۲۵۶.

در منابع فرقه‌نگاری، واژه فرقه در طول زمان، مدلول‌های مختلفی پیدا کرده است و ناظر به شرایط جامعه و رویدادهای تاریخی و دسته‌بندی‌های فرقه‌ای، کاربرد آن دچار استحاله و تغییر شده است. پس از رحلت رسول اکرم ﷺ، فرقه شدن ناظر بر مسئله جانشینی نمود یافت و حتی تا پایان عصر اموی و آغاز خلافت عباسیان، ابعاد سیاسی در فرقه شدن‌ها نقش پررنگ‌تری ایفا می‌کرد، اما در دوره عباسی با شدت یافتن مناظرات، جدل‌ها و بحث‌های کلامی مدلول فرقه به گروه‌های کلامی و عقیدتی تغییر پیدا کرد.

۳-۳-۱. تاریخ‌نگاری فرقه

یکی از انواع تاریخ‌نگاری اسلامی، تاریخ‌نگاری فرقه است و موضوع آن، بحث و گفت‌وگو درباره نحوه پیدایش و تحولات فرقه است.^۱ این علم متکفل بیان عقاید کلامی گروه‌هایی است که از اسلام نشأت گرفته‌اند. از این رو، رسالت فرقه‌نگاران طرح کلی و تبیین مسائلی، مانند سیر تکامل عقاید کلامی و سیاسی، بررسی گزارش‌های تاریخی ایجاد یک فرقه در بستر فرهنگ اسلامی و چگونگی بهره‌برداری فرقه‌ها از منابع دسته اول اسلامی است.^۲

از منظری گسترده‌تر، این علم به‌عنوان تاریخ عقاید گروه‌های اسلامی و روش‌های فکری آن‌ها نه تنها یکی از مهم‌ترین ابزارهای متکلمان است. بلکه شناخت تاریخ تحولات سیاسی تا حدود زیادی بستگی به آگاهی از آن دارد. به‌علاوه در فهم حدیث و اسباب ورود و آگاهی از واسطه‌های نقل آن، دانش فرقه‌نگاری می‌تواند مفید واقع گردد.^۳

۱. محمد نجمی زنجانی، *تاریخ فرقه اسلامی*، ج ۱، ص ۷.

۲. علی آقائوری، «درآمدی بر شناخت مشهورترین آثار ملل و نحل (ویژگی‌ها و کاستی‌ها)»،

طلوع، ش ۵.

۳. همان، ص ۵.

در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم هجری، تدوین و تنظیم کتاب‌هایی در باب آرا و عقاید مذاهب شروع شد و هم‌گام با رشد رقابت‌های سیاسی - فکری و نهضت ترجمه در جهان اسلام، نگرارش این آثار، رشدی فوق‌العاده یافت. مباحث این‌گونه کتاب‌ها در آغاز، بیشتر متوجه مسائل فرقه‌ای و اختلافات کلامی بود. اولین منابع از این گروه، بیشتر دفاعیه‌نامه‌هایی از عقاید خاص و مبانی مذهبی و ردیه‌های ویژه هر فرقه و مذهب بوده است.

دیری نپایید که مسلمانان به نقادی آرای یکدیگر مبادرت ورزیدند. کتاب‌های بسیاری که با کلمه الرد آغاز شد. در فهرست نام کتاب‌های علمای مسلمان از فرقه‌های مختلف جای گرفت. سومین مرحله از زمانی آغاز شد که کتاب‌هایی با عنوان‌های مقالات، آرا و غیره نوشته شدند.^۱ این‌گونه منابع فرقه‌نگاری، اختصاص به گروه خاصی نداشتند و مورد توجه همه گروه‌های اسلامی در دوره‌های مختلف بودند. شناخت و تحلیل دقیق مسائل این موضوع در گرو شناخت گسترده و بنیادین منابعی است که به گونه‌ای در راه بازشناسی نحله‌ها و مذاهب‌ها مفید خواهد بود.^۲

مشکور در تعریفی که از این علم ارائه می‌دهد، آن را شعبه‌ای از تاریخ اجتماعی قلمداد می‌کند که به بحث تاریخی در مورد شعب تیره‌های دین اسلام، داستان پیدایش، سرگذشت مذاهب اسلامی، تحولات و تشعبات هر مذهب می‌پردازد.^۳ شکل آرمانی تاریخ اجتماعی بر اساس متون گذشته به مطالعه ساختار و فرآیند کنش و واکنش انسان در بافت‌های اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد. برخی بر این باورند که تاریخ اجتماعی در

۱. علی محمد ولوی، دیانت و سیاست در قرون نخستین اسلامی، ص ۴۲.

۲. رسول جعفریان، گزیده کتابشناسی توصیفی فرق اسلامی، ص ۲.

۳. محمد جواد مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۸.

برگیرنده تمام گونه‌های مختلف زندگی و فرهنگ در جوامعی است که در دوره تاریخی وجود داشته‌اند.^۱

در یک تقسیم بندی دیگر، این علم شاخه‌ای از تاریخ‌نگاری دینی محسوب می‌شود.^۲ منابع فرقه شناختی، حاصل کار متکلمان هستند و بیشتر به مباحث فرقه‌ای می‌پردازند، اما آن‌ها در کنار بیان تاریخ به خلافت رسیدن یا وفات شخصیت‌های مهم، گزارش‌های تاریخی فراوانی درباره مسائل مختلف نیز ارائه می‌دهند که برای شناخت عادات اجتماعی و فرهنگی جوامع اسلامی، بسیار مهم هستند. برای نمونه، سعد بن عبدالله اشعری برای همه امامان، گزارشی شبیه به سنت تاریخ الاثمه نویسی بیان می‌کند که به لحاظ تاریخی و قدمت بسیار اهمیت دارد.^۳

۲. عوامل مؤثر در شکل‌گیری تاریخ‌نگاری فرقه

۲-۱. عوامل سیاسی و تأثیر آن بر فرقه‌نگاری

اختلافات جامعه اسلامی بر سر مسائل جانشینی حضرت رسول ﷺ تأثیری شگرف بر تاریخ‌نگاری اسلامی نهاده است. رویدادهای صدر اسلام و زمان حیات نبی اکرم ﷺ در آینده سیاسی گروه‌های موجود در جامعه، تأثیر گذار بوده است. خلفا نیز علاقه خاصی به تاریخ و روایت‌های تاریخی داشتند و گاه نوع روایت تاریخ، مورد اعتراض شدید خلیفه وقت قرار می‌گرفت و نویسندگان تحت تأثیر این اعمال نفوذ، نوشته‌های خود را جهت می‌دادند و عرضه می‌کردند.^۴

۱. حسن زندیه، «تاریخ اجتماعی»، تاریخ اسلام، س ۱۲، ش ۱ و ۲، ص ۱۶۲.

۲. حبیب‌الله اسماعیلی، جستارهایی در تاریخ و تاریخ‌نگاری، ص ۱۲۰۲.

۳. حسن انصاری قمی، بررسی‌های تاریخی در حوزه اسلام و تشیع، ص ۷۱۹.

۴. زبیر بن بکار، الاخبار الموفقیات، ص ۱۲۵.

پیدایش سنت‌های تاریخ‌نگاری، حتی بدون حمایت خلفا، فرآیندی سیاسی بوده است.^۱ در سرزمین‌های مفتوحه، علمای ادیان مختلف زندگی می‌کردند و مردم پیش از فتح مسلمانان و پیش از مسلمان شدن، پیرو آیین‌های مختلفی چون آیین زرتشتی، مسیحی، یهودی، صابئی، برهمنی دهری و جز آن‌ها بودند. رکود فتوحات، تثبیت امور و اختلاط مسلمانان با مردم سرزمین‌های مفتوحه سبب به وجود آمدن مشکلات اجتماعی و دینی بین آن‌ها شد. به این صورت که شماری از مردم به اندیشه‌های دیرین خویش بازگشتند، اما برای این که از اتهام کفر و زندقه مصون بمانند، آن‌انگاره‌ها را به جامه اسلامی در آوردند.^۲

در این دوران برای اختلاف عقاید تمام عوامل و اسباب فراهم بود، اما آغاز آن از سیاست یا مقتضیات مملکتی بوده است.^۳ پدیده زندیقان در دوره امویان در جامعه اسلامی انتشار یافت و فعالیت آنان در دوره عباسی شدت گرفت.^۴ مبارزه با زندیقان از دوره منصور (۱۳۶-۱۵۸ ه.ق.) شروع شد. هم‌چنین، مهدی عباسی (۱۵۸-۱۶۴ ه.ق.) اولین کسی بود که بر ملحدان و زندیقان سخت گرفت و آن‌ها را تحت تعقیب قرار داد و کشت.^۵ او به متکلمان و جدلیان دستور داد کتاب‌هایی بر رد ملحدان و کافران نوشتند و بر ضد معاندان، دلیل آوردند و با شبه افکنی آن‌ها مقابله کردند.^۶

۱. فرانتس روزنتال، تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، ص ۹۳.

۲. محمد خلیل زین، تاریخ الفرق الاسلامیه، ص ۶۴؛ حسین صابری، تاریخ فرق اسلامی، ج ۱،

ص ۲۵.

۳. شبلی نعمانی، تاریخ علم کلام، ص ۱۴.

۴. طقوش، دولت عباسیان، ص ۷۵.

۵. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۸، ص ۱۶۵.

۶. مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، ص ۶۹۶.

مهدی عباسی (۱۵۸-۱۶۴ ه.ق.) به جریان فرقه‌های درون جامعه اسلامی نیز توجه می‌کرد و اولین کتاب فرقه‌نگاری به دستور او نوشته شد که به صورت اعلامیه‌ای برای مردم شهر خوانده می‌شد. این کتاب، *صنوف/الفرق* نام داشت و هر صنف آن بر اساس نام متکلم معروف و برجسته گروه‌های موجود در جامعه، نام گذاری شده بود که پس از آن، مورد پی‌گرد قرار گرفتند. در این گزارش، خبری درباره هشام بن حکم وجود دارد که در این دوران از بحث‌های کلامی، کناره‌گیری می‌کرد و از پی‌گرد مأموران خلیفه در امان ماند.^۱

خلفای عباسی به منظور تمرکز قدرت، خواستار وحدت مذهبی بودند که در فاصله یک قرن از حکومت خود از اقبال به اهل رأی در فقه و معتزله در کلام تا ادبار این گروه‌ها در نوسان بودند.^۲ این اقدام مهدی عباسی (۱۵۸-۱۶۴ ه.ق.) نیز در راستای اهداف سیاسی حکومت بود. او برای مبارزه با گروه‌های فکری رقیب دستور داد، کتابی در رابطه با فرق مختلف و به گمان او، اهل بدعت و انحراف نوشته شود. در گزارشی که به صورت برش کوتاهی از کتاب *صنوف/الفرق* در دست است، می‌توان به سبک اولیه نگارش کتاب توجه کرد که فرقه‌ها را با نام صاحبان اندیشه‌های کلامی می‌شناخته است و هر کدام را یک فرقه تلقی کرده بوده است. اسامی فرقه‌ها در منابع فرقه‌نگاری، متأثر از همین رویکرد قابل پی‌گیری است.

مجالس مناظره در دوره خلفای بعدی هم‌چون هارون الرشید (۱۷۰-۱۹۳ ه.ق.) نیز ادامه داشت،^۳ اما در دوره مأمون عباسی (۱۹۸-۲۱۸ ه.ق.) این امر فزونی گرفت و حمایت

۱. طوسی ابی جعفر، *اختیار معرفة الرجال*، ج ۱، ص ۲۶۵.

۲. عبدالواحد قادری و سید هاشم آقاجری، «تحولات اندیشه سیاسی مسلمانان در دوره میانه

اسلامی»، *جامعه شناسی تاریخی*، دوره ۶، ش ۲، ص ۶۷-۱۰۶.

۳. سیوطی، *كشف الظنون عن اسامی كتب و الفنون*، ص ۳۳۸.

گسترده‌تری از این مجالس به عمل آمد. مأمون با همه گروه‌ها چه معتزلی و چه ضد معتزلی در ارتباط بود^۱. منابع در این باره می‌نویسند:

چون مأمون به عراق در آمد، بسیار کس از جدلیان معروف چون ابوالهذیل (د. ۲۳۵ ه.ق.) و ابواسحاق ابراهیم بن نظام بن سیار (د. ۲۳۱ ه.ق.) و دیگران که موافق یا مخالف آن‌ها بودند به وی تقرب یافتند و ادیبان به مجلس او نشستند و آن‌ها را از ولایات بیاورد و مقرری داد و مردم به تحقیق و نظر راغب شدند و بحث و جدل آموختند و هر گروه، کتاب‌ها در تأیید مذهب و گفتار خویش تألیف کردند.^۲

۲-۲. ترجمه آثار غیر اسلامی و تأثیر آن بر فرقه‌نگاری

مسلمانان از رهگذر ترجمه، پذیرای اندیشه‌های جدید شدند و یا به عنوان مقدمه رویارویی با اندیشه‌های فلسفی غیر اسلامی، ناگزیر آن فلسفه‌ها را فراگرفتند و ناخواسته برخی از آن اندیشه‌های فلسفی با تفسیر آن‌ها از دین درآمیخت و گاه در قالب آموزه‌های فرقه‌ها رخ نمود.^۳ هم‌چنین، ورود دانشمندان و پزشکان غیر مسلمان به جهان اسلام در پراکندن بذر این اندیشه‌ها بی‌تأثیر نبود. به‌عنوان نمونه در مروج الذهب به پزشکانی اشاره می‌شود که در ضمن مداوای بیمار، اعتقادات مسلمانان مبنی بر توکل به خدا و ایمان را مورد تمسخر قرار می‌دادند.^۴

۱. علی ناظمیان فرد، مأمون و محنت، ص ۷۰.

۲. مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۶۹۶؛ سیوطی، کشف الظنون عن اسامی کتب و الفنون، ص ۳۲۲-۳۲۴.

۳. حسین صابری، فرقه‌های اسلامی، ج ۱، ص ۲۶.

۴. مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۸.

در روند پیشرفت علم کلام از اصطلاحات و روش‌های استدلالی علم فلسفه بسیار استفاده می‌شد که برای محدثان، تفاوت نهادن میان فلسفه و کلام، امری دشوار بود. بنابراین، محدثان با کلام مانند فلسفه برخورد می‌کردند و آن را کفر و زندقه می‌دانستند. به طور مثال، احمد بن حنبل، اهل کلام را زندیق می‌دانست.^۱ مخالفت‌ها با علم کلام بسیار شدید بود، اما منتهی به نابودی و به گوشه راندن این علم نشد و این معلول نیازی بود که به این دانش حس می‌شد. حساسیت‌ها نسبت به این علم و احساس نیاز به آن، موضع‌گیری‌های متفاوتی نسبت به این علم را به همراه داشت.^۲

متون ترجمه شده، فقط در افکار و اندیشه‌ها اثر نگذاشت، بلکه در سبک‌های نگارش هم تأثیر نهاد. در منابع اسلامی از کتاب‌هایی نام برده می‌شود که اندیشمندان مسلمان در رد افکار بیگانه نوشته‌اند. برای مثال می‌توان به *النقض علی ارسطالیس ابوهاشم جبایی* (د. ۵۳۲۱ ه.ق.) اشاره داشت.^۳ همچنین، ابوالحسن اشعری (د. ۵۳۲۴ ه.ق.) کتاب‌های در این زمینه نوشته است.^۴

اصطلاح مقالات الفلاسفه، بیان‌گر این است که دانشمندان مسلمان، اندیشه‌های فلسفی یونانی را نه به صورت نظامی به هم پیوسته، بلکه به شکل افکاری جدا و از هم گسیخته (مقاله) می‌دیدند.^۵ رویکرد نگارشی در اندیشه‌های یونانی و به صورت مقاله‌ای

۱. شبلی نعمانی، *تاریخ علم کلام*، ص ۲۶.

۲. محمد حسین گنجی، «عوامل مواجهه با علم کلام در فرهنگ اسلامی»، *اندیشه دینی دانشگاه شیراز*، ش پیاپی ۱۲، ص ۸۴-۸۵.

۳. ابن ندیم، *الفهرست*، ج ۱، ص ۲۱۵.

۴. ابن فورک، *تبیین کذب مفتتری فیما نسب الی الامام ابی الحسن الاشعری* (متوفی ۵۷۱ ه.)، ص ۱۲۸.

۵. محمد بوهلال، *اسلام اهل کلام*، ص ۷۴.

تنظیم کردن آن‌ها با توجه به فضای کلامی نوشته‌های فرقه‌نگاری و لزوم توجه و پاسخ‌گویی به اندیشه‌های دیگر فرقه‌ها در نگارش‌های فرقه‌ای به وسیله نویسندگان مسلمان به کار گرفته می‌شد. ابوالحسن اشعری در مقالات الاسلامیین، اطلاعات فرقه‌ها را به صورت مقاله، دسته‌بندی و بررسی کرده است.

۳-۲. تدوین اصول مذاهب و تأثیر آن در تاریخ‌نگاری فرق

بیشتر باورهای کلامی و بسیاری از عناصر آن، ریشه در قرآن دارد، اما نظام این باورها را دانش کلام شکل داده است.^۱ متکلمان برای دفاع از اسلام در برابر تعرض مخالفان و مقابله با نفوذ فکری تازه مسلمانانی که هنوز به عقاید پیشین خود، کشش و میل باطنی داشتند به تقریر منطقی، برهانی و روشن اصول دین اسلام روی آوردند. اختلافاتی بین آن‌ها بر سر اصول و فروع دین وجود داشت، اما در این دوران، اصول مذهبی فرقه‌ها مدون شد.^۲

اندیشه تدوین و مشخص نمودن اصول مذاهب در اواخر سده دوم و اوایل سده سوم هجری با هدف سامان دادن به اختلافات روز افزون و بسیار فزاینده میان فرق آغاز گردید و کم‌کم آثاری در این زمینه مدون شد. با تدوین اصول مذاهب به وسیله متکلمان، باورهای آن‌ها در سیری پیوسته، نظام‌مند شد و در مجادلات کلامی مورد استفاده قرار گرفت. این جریان به متکلمان کمک کرد که موارد مورد نیاز خود را به مرور زمان مشخص کنند و درصدد پاسخ به آن‌ها بر آیند و در طول زمان، اصول اصلی و بنیادین خود را برای مناظرات چارچوب‌مند کنند.

تدوین اصول دین، ابتکاری کلامی و معتزلی بود که می‌خواست معیاری برای اجتماع و افتراق برپا کند، پدیده انشعاب‌های پایان‌ناپذیر در فرقه‌ها را پایان دهد و از گسترش

۱. ابن طیفور، کتاب بغداد، ص ۲۲.

۲. عباس اقبال، خاندان نوبختی، ص ۲۷.

پدیده تکفیر و مباح دانستن خون مخالف جلوگیری نماید. البته باید در نظر داشت، مشخص نمودن این اصول و مکتوب شدن آن‌ها به متکلمان کمک کرد، ایمان راستین را به پذیرش این اصول مرتبط کنند و این را نپذیرند که کسی تنها به ظاهر، ادعای ایمان کند و خود را از امت اسلام بداند.^۱ به‌عنوان مثال، اصول معتزله اموری بود که اصحاب این جریان بر آن اجماع داشتند و کسی نمی‌توانست سخن دیگری را بر آن ترجیح دهد و یا در آن تردید کند و پیروان این جریان را از مخالفان ایشان باز می‌داشت و همه آن‌ها با وجود اختلاف در فروع به این اصول پناه می‌بردند و فروع را به آن باز می‌گرداندند.^۲

گروه‌های فکری دیگر نیز در این دوران، منظومه‌های کلامی خود را مورد بازبینی قرار دادند و بر پایه رویکرد جدید و مطابق با زمانه باز تعریف کردند. ابن ندیم (د. ۵۳۸۰ ق.)، علی ابن اسماعیل بن میثم تمار (د. ۲۱۰-۵۲۱۵ ق.) را اولین سخن‌گوی مذهب امامیه می‌داند که کتاب‌های *الامامة والاستحقاق* را نوشته است.^۳ یکی دیگر از متکلمان امامیه که در این زمینه به نگارش کتاب پرداخت و درباره آن با مخالفان این فرقه مناظره کرد، عیسی بن روضه (بعد از سال ۱۳۶ ه. ق.) از معاصران منصور عباسی (۱۳۶-۵۱۵۸ ه. ق.) بود. او نخستین متکلمی است که بنا بر اصول عقاید امامیه و با دلایل کلامی با مخالفان آن فرقه به مناظره پرداخت.^۴

۱. محمد بوهلال، *اسلام اهل کلام*، ص ۸۴-۸۹.

۲. فؤاد سید، *فضل الاعتزال*، (ابوالقاسم بلخی، قاضی عبدالجبار، الحاکم جشمی)، ص ۳۴۶؛ عبدالجبار بن احمد، *شرح اصول خمسة*، ص ۱۲۴؛ ملطی، *التنبیه و الرد علی اهل الاهواء و البدع*، ص ۳۰.

۳. ابن ندیم، *الفهرست*، ج ۱، ص ۳۲۷.

۴. اشعری، *المقالات و الفرق*، ص ۱۰۲.

این رویکرد جدید به اصول مذاهب، حاصل تغییرات فضای فکری حاکم بر جامعه بود. در این دوره، منازعات فرقه‌ای در جوامع اسلامی از ماهیت سیاسی خود تا حدی فاصله گرفت و وارد فضای فکری و علمی شد. در این وضعیت، هر فرقه‌ای به فراخور ابعادش به دنبال پشتوانه‌های فکری و اندیشه‌ای مستدل می‌گشت.

متکلمان با بهره‌گیری از شیوه‌های جدید استدلال در دانش کلام توانستند آرای خود و مخالفان خویش را آشکارا مطرح کنند و پاسخ همین مسئله سبب شد گفتمان علمی تازه‌ای تولید شود. این گفتمان توانایی داشت که بسیاری از اهل علم را قانع کند. بدین ترتیب، فرقه‌های کلامی از شکلی مشابه احزاب سیاسی که بیشتر بر سخنان بلیغ و شعاری و خشونت در مواجهه با مخالفان تکیه داشتند و هم‌چنین، مذاهب فقهی که به طور کامل به نص پای‌بند بودند، فاصله بسیار گرفتند و کم‌کم به صورت مکاتبی علمی درآمدند.^۱

۴-۲. تحول علم کلام و تأثیر آن بر فرقه‌نگاری

از سویی دیگر، فرقه‌نگاری حاصل تحول جایگاه علم کلام در میان مسلمانان است که این تحول، خود علم کلام را هم تحت تأثیر قرار داده است و بر آن، مؤثر واقع شده است. در مراحل اولیه شکل‌گیری و رشد علم کلام، علمای این علم در تصانیف خود، اقوال مخالفان را نقل می‌کردند و جواب می‌دادند. محدثان به همین مقدار هم، نقل اقوال مخالفان را جایز نمی‌دانستند. حرث محاسبی (د. ۲۴۳ ه.ق.) که یکی از محدثان زبر دست بود، وقتی در رد شیعه و معتزله کتابی نوشت به دلیل این‌که اقوال طرف مقابل را نقل و بعد رد کرده بود، احمد بن حنبل (د. ۲۴۱ ه.ق.) از او ناراضی شد و با او قطع مراوده نمود.^۲

۱. محمد یوهلال، اسلام/اهل کلام، ص ۹۷.

۲. السبکی، طبقات الشافعیة الکبری، ج ۲، ص ۲۷۸.

این نوع برخورد، مربوط به دوره اولیه علم کلام است که محدثان به شدت با علم کلام مخالف بودند و در مورد آن، آرای تندی ابراز می‌کردند. شافعی (د. ۲۰۴ ه.ق.)، احمد بن حنبل (د. ۲۴۱ ه.ق.)، سفیان ثوری (د. ۱۶۱ ه.ق.) و بیشتر محدثان آن را حرام می‌شمردند^۱، اما با گسترش مباحث عقلی و ترویج افکار معتزله و از سوی دیگر، ناکامی محدثان در مناظره با مخالفان مذهب، روند تاریخی ماجرا به سود متکلمان پایان یافت. آزادی گروه‌های فکری در دوره مأمون و حضور آن‌ها در مجادلات و مناظرات در نگارش مباحث عقیده‌ای هم مؤثر واقع شد. در این دوره، جمعی از متفکران مسلمان، فارغ از دسته‌بندی‌ها و اختلاف‌های سیاسی فرقه‌ای و کلامی با هدف دفاع تطبیقی از مذهب مورد توجه خود، اقدام به تنظیم و نگارش کتاب‌هایی کردند که با عناوین مقالات، آراء دیانات و ملل و نحل شناخته می‌شوند^۲ این نوع رویکرد به عقاید دیگر فرقه‌ها در گفته‌های ابوالحسن اشعری به‌خوبی نمایان است. او در این باره می‌نویسد:

کسانی که در این رابطه کار کرده‌اند، قابل اطمینان نیستند چون آن‌ها در روایت عقاید مخالفان خود کوتاهی کرده و راست‌گو نبوده‌اند و به انگیزه نکوهش و توجه به شکست دادن مخالفان خود بدون اندیشه در گفتار مطالبی را آورده‌اند.^۳

از میان رفتن منابع کلامی اولیه، تحریف اندیشه‌های کلامی متکلمان از سوی مخالفان و ابهام در فهم مسائل کلامی مشکلاتی بود که متکلمان با آن روبه‌رو بودند. برای حل این مشکلات، متکلمان دو سبک اختراع کردند. یکی سبک خلاصه‌نویسی و

۱. شبلی نعمانی، تاریخ علم کلام، ص ۲۶.

۲. علی محمد ولوی، دیانت و سیاست در قرون نخستین اسلامی، ص ۴۲-۴۶.

۳. ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، مقدمه مؤلف.

دیگری سبک ملل و نحل نگاری که در آن، متکلم عقاید همه گروه‌ها را بیان می‌کند و یک آگاهی کلی به نسل پس از خود ارائه می‌دهد.^۱

۵-۲. شرایط سیاسی - اجتماعی فرقه‌ها و تأثیر آن بر فرقه‌نگاری

وضعیت فکری جامعه اسلامی در اواخر قرن سوم به گونه‌ای بود که در عقاید گروه‌های فکری، تحولی اساسی رخ داد. در میان شیعیان از پایان قرن دوم هجری، واقفیه و گروه‌هایی غالی ظهور کردند و با طرح مسئله غیبت، موجی از تفرقه را با خود آوردند. شیعیان امامیه در این دوران با دسترسی به امام خود از تفرقه‌ها در امان ماندند و تنها در نیمه دوم قرن سوم با پدیده نوظهور غیبت امام خود روبه‌رو شدند که موجب شد موج تفرقه در میان آن‌ها رشد کند. نوبختی (د. ۵۳۰۰ ق.)، اشعری (د. ۵۲۹۹ ق.) و مسعودی (د. ۵۳۳۳ ق.) به تفرقه شدید میان شیعیان اشاره می‌کنند.^۲

برون رفت از این آشفته بازار فکری، نیازمند عزم جدی نویسندگان و متکلمان شیعی بود. موقعیت زمانی و تشتت آرای دینی به وجود آمده در اثر غیبت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، نوبختیان را به این سو کشاند که کمتر به نقل توجه کنند.^۳ آن‌ها در صدد توسعه مفهوم امامت بودند که تأکید آن بر لغزش ناپذیری و عصمت امام بود.^۴

محمد بن موسی نوبختی با توجه به شرایط موجود، نگارش اثری در زمینه فرقه‌نگاری را وجهه همت خود قرار داد. با این که در هیچ کجای کتاب، انگیزه نوبختی بیان نشده است، اما تحلیل مطالب کتاب و سبک و ساختار آن بیان‌گر هدف‌مندی او است. مواردی را

۱. محمد بوهالال، *اسلام اهل کلام*، ص ۹.

۲. نوبختی، *فرق الشیعة*، ص ۸۴؛ اشعری، *المقالات و الفرق*، ص ۱۰۲؛ مسعودی، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ج ۲، ص ۵۹۹.

۳. قاسم خانجانی، *شیخ مفید و تاریخ نگاری*، ص ۲۴.

۴. آندره، نیومن، *مدرسه قم و بغداد*، ص ۶۶.

که نوبختی به آن می‌پردازد، می‌توان به دو بخش فرقه‌های شیعه و فرقه‌های غیر شیعه تقسیم کرد. در هر دو مورد، نوبختی به دنبال حاشیه‌رانی و تضعیف اندیشه‌های غیر امامی و تقویت اندیشه شیعیان امامیه است.

در این راه، نوبختی به گزارش‌های تاریخی توجه می‌کند و به نقطه شروع اختلاف‌ها باز می‌گردد. نوبختی ریشه اختلاف همه فرقه‌های اسلام پس از رحلت حضرت محمد ﷺ را اختلاف در مسئله امامت بیان می‌کند. او شیعه را گروهی می‌داند که پس از پیامبر ﷺ هواخواه علی بن ابی طالب علیه السلام بودند.^۱ نوبختی ویژگی‌های ممتاز امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام را برای امامت بر می‌شمارد. او این ویژگی‌ها را با صفاتی مانند امام واجب الاطاعة، وارث علم انبیا، پاک‌دامن و پاک‌زاد، پیش‌گام در اسلام، دانش، بخشش و پارسایی، منصوص از طرف پیامبر ﷺ و موارد دیگری معرفی می‌کند و جایگاه امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام را برجسته می‌نماید.

هم‌چنین با آغاز سخن در مورد هر کدام از امامان، ارتباط آن‌ها را با امام قبلی بیان می‌کند. گروهی پس از علی بن ابی طالب به امامت پسرش حسن بن علی پایدار ماندند. گروهی که پس از علی بن ابی طالب به امامت حسن بن علی استوار بودند پس از وی به امامت برادرش حسین بن علی در آمدند. نوبختی این روش را در مورد همه امامان پی می‌گیرد.^۲ او اشاره می‌کند که تا زمانی که دنیا بر پا باشد، این امر در میان فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام خواهد بود.^۳

پرداختن به صورت ویژه به شیعه امامیه در طبقه‌بندی کتاب بر مبنای زندگی امامان، بیان ویژگی امام از دیدگاه اثناعشری، آوردن فرقه‌های شیعه به سبب ارتباط آن‌ها با شیعه و نقد

۱. نوبختی، فرق شیعه، ص ۳.

۲. رک: نوبختی، فرق الشیعه، ص ۵۱، ۵۶، ۵۹، ۶۹، ۷۱، ۷۵، ۸۰، ۸۳، ۹۲.

۳. نوبختی، فرق الشیعه، ص ۲۲-۲۳، ۲۶-۲۷.

آن به خوبی نمایان است. علاوه بر این، نوبختی به گروه‌های غیر شیعی نیز می‌پردازد و با آوردن گزارش‌های تاریخی، مبانی اعتقادی و ادعای ایشان در مورد امامت را تضعیف می‌کند. دیگر نویسنده فرقه‌نگار شیعی، سعد بن عبدالله اشعری (د. ۵۲۹۹.ق.) است که کتابش با اضافاتی که می‌آورد تا حدودی، مانند کتاب نوبختی است. تفاوت دیدگاه‌های دو نویسنده به خوبی نمایان است، اما باز هم، همان هدف دنبال می‌شود. نوبختی و اشعری متعلق به مکتب‌های فکری قم و بغداد هستند. این دو حوزه در عین حال که به لحاظ شیوه استدلال با هم اختلاف داشتند در مسائل اساسی یکدیگر را تأیید می‌کردند.^۱

در میان اهل سنت نیز در همین سال‌ها، تحولاتی در حال انجام بود. سرخوردگی از تندروی‌های معتزله، گروهی از اندیشمندان سنی را به راهی میانه می‌کشاند که در آن، چارچوب‌های فکری و استدلالی معتزلی با رویکرد اهل حدیث تعدیل و ترکیب می‌شد. در قرن سوم اهل سنت به معتزله به دیده نفرت و تحقیر می‌نگریستند^۲ به طور تقریبی، هم‌زمان در سه نقطه از جهان اسلام، سه نهضت فکری علیه معتزله شدت گرفت. وجه مشترک هر سه حرکت این بود که با داعیه اهل حدیث و روحیه تقدس‌گرایانه در دفاع از دین در مقابله با معتزله ایستادند، ولی برخلاف اهل حدیث سعی کردند با روش عقلی و با بحث‌ها و استدلال‌های منطقی به حمایت از معتقدات خویش برخیزند.^۳ هر سه جریان اشعری، طحاوی و ماتریدی به دنبال ارائه راهی میانه و برخاسته از پیوند مکتب اهل حدیث و معتزله بودند.^۴

۱. قاسم خانجانی، شیخ مفید و تاریخ‌نگاری، ص ۲۳.

۲. آدام متز، تمدن اسلامی در قرن چهارم یا رنسانس اسلامی، ص ۲۳۴.

۳. محمد رضا کاشفی، کلام شیعه ماهیت، مختصات و منابع، ص ۸۵.

۴. محمد رضا بارانی، بررسی تاریخی تعامل فکری سیاسی امامیه با فرقه‌های معتزله، اشاعره و

حنابله در بغداد در عصر آل بویه، ص ۲۷۶.

ابوالحسن اشعری که سال‌ها در مسلک معتزله بود از اعتزال روی گردان شد و منشأ تفکری گردید که اشاعره نامیده می‌شود. با توجه به آرای اشاعره می‌توان گفت که اشاعره حد وسط میان اهل حدیث و معتزله است و از این جهت می‌توان بر آن نص‌گرایی تعدیلی یا خردگرایی تعدیلی نام نهاد.^۱ همچنین، اشعری کتابی در زمینه فرق اسلامی نوشت که *مقالات الاسلامیین* نام دارد. او نخستین، متکلم سنی است که به معنای دقیق کلمه به نظریه پردازیه درباره خلافت و امامت پرداخته است. او بنیان‌هایی کلامی برای خلافت اهل سنت فراهم کرد که استواری آن، نیازمند ارائه تفسیری همسو با تاریخ بود.^۲

۳. بررسی تاریخ‌نگاری منابع فرقه‌نگاری

۳-۱. شیوه نگارش و تدوین اطلاعات

مراد از شیوه تاریخ‌نگاری، چگونگی تدوین مطالب تاریخی است^۳ که می‌توان آن را در شکل حدیثی- خبری، دودمانی، تنظیم برحسب طبقات، رعایت تسلسل زمانی یا شیوه سال شماری، تبارشناختی و فرهنگ‌نامه‌ای خلاصه کرد. در همه این شیوه‌ها به جز شیوه فرهنگ‌نامه‌ای، عنصر زمان دخالت دارد. به همین دلیل، بیشتر این شیوه‌ها می‌تواند بر حسب تسلسل زمانی تنظیم گردد. همچنین، این شیوه‌ها را نمی‌توان به کلی جدا دانست؛ زیرا ممکن است، دو یا چند شیوه در یک اثر جمع شود.^۴

۱. محمد رضا کاشفی، کلام شیعه ماهیت و مختصات و منابع، ص ۵۹.

۲. سید علی میرموسوی، «جایگاه و نقش اشعری در تأسیس کلام سیاسی اهل سنت»، علوم سیاسی، ش ۶۴، ص ۷۶.

۳. سید صادق سجادی، تاریخ‌نگاری در اسلام، ص ۳۷.

۴. همان، ص ۷۱.

در تاریخ فرق، رجال و شخصیت‌های هر فرقه، محور اصلی توجه هستند و مباحث پیرامون زندگی آنها می‌آید و از این بعد به علم نسب و رجال، بسیار نزدیک است.^۱ مواردی که در فرق الشیعه نوبختی در مورد نسب شخصیت‌های مهم بیان می‌شود، شباهت بسیار زیادی با اطلاعات کتاب‌هایی مانند *جمهرة النسب هشام کلبی* (د. ۵۲۰۶.ق.) و *المحبر محمد بن حبيب* (د. ۵۲۴۵.ق.) و دیگر منابع از این دست دارد.^۲

از آن‌جا که کشمکش جزمی و تعصب آلود میان فرق اسلامی تا حد زیادی در گرو نام اشخاص و فضایل و عیوب فردی آنان بود، سرگذشت‌نامه برای متألّهان و متکلمان، موضوعی ضروری شد و بزرگ‌ترین فرصت را جهت استفاده و به‌کارگیری عملی آن در سازمان اجتماعی اسلام به تاریخ‌نگاران اعطا کرد. به‌علاوه، مسلمانان سخت بر این باور بودند که همه سیاست‌ها به دست افراد بوده است و تنها در پرتو خصال و تجربیات شخصی آنان می‌تواند درک شود.^۳

نکنه قابل توجه دیگر در تاریخ‌نگاری فرق، توجه به زمان آغاز اختلاف‌ها و دسته‌بندی‌ها، زمان درگذشت شخصیت‌های مهم و تأثیر گذار از سوی فرقه‌نگار است. از این رو در این منابع مسئله زمان، ترتیب زمانی در به وقوع پیوستن رویدادها و به وجود آمدن فرقه‌ها رعایت شده است. البته در میان منابع فرقه‌نگاری، تحت تأثیر سبک نویسنده و با هدف حفظ انسجام مطالب، گاهی به صورت جزئی از این مورد صرف‌نظر می‌شود. فرق الشیعه نوبختی با این‌که به صورت طبقه‌ای بر مبنای زندگی امامان، نگارش یافته است به سبب حفظ هماهنگی بحث، ترتیب زمانی را در مواردی نادیده می‌گیرد و انشعابات کیسانیه را به صورت سلسله‌وار بیان می‌کند.^۴

۱. حسن سلهب، *علم الکلام و التاریخ*، ص ۲۰۳.

۲. به عنوان نمونه، ر.ک: نوبختی، *فرق الشیعه؛ کلبی، جمهرة النسب*، ج ۱، ص ۱۸، ۱۸۷.

۳. روزنتال فرانتس، *تاریخ تاریخ‌نگاری*، ص ۱۲۲.

۴. ر.ک: نوبختی، *فرق الشیعه*، ص ۲۹.

۲-۳. روش تدوین اطلاعات فرقه‌ای

مقصود از روش در تاریخ‌نگاری، چگونگی صورت نگارش و نقل مطالب تاریخی است. هر کدام از مورخان برای نگارش و تحلیل وقایع، روشی را به کار برده‌اند. روش‌های تدوین تاریخی در تاریخ‌نگاری اسلامی عبارت است از: روش روایی، روش تحلیلی و روش ترکیبی.^۱ در تاریخ‌نگاری اسلامی به تبع اهمیت مرجع اطلاعات تاریخی، روش حدیثی و سبک تاریخ‌نگاری روایی به کار گرفته شده است.^۲

در قرن سوم، تغییراتی در ادبیات تاریخ‌نگارانه رخ داد؛ یعنی گذار به عصر روایت تاریخی جدید (حذف اسناد) که نمونه سنت شکن در این زمینه، تاریخ یعقوبی است.^۳ تاریخ یعقوبی، نمونه‌ای از تاریخ‌نگاری است که به آن روش ترکیبی گفته می‌شود. در این روش، توجه به سلسله سند، کم‌رنگ می‌شود و نویسندگان به جای بیان روایات مختلف و اسانید آن، یک واقعه را از راه مقایسه، ترکیب و ایجاد سازگاری میان روایات گوناگون واقعه در یک روایت توضیح می‌دادند.^۴ منابع فرقه‌نگاری را تا حدودی می‌توان به این روش نزدیک دانست. با مطالعه منابع فرقه‌نگاری روشن می‌شود که فرقه‌نگاران در میان این روش‌ها، مطالب خود را به روش ترکیبی به همراه تحلیل ارائه می‌دادند.

۳-۳. منابع و مآخذ در منابع فرقه‌نگاری

مسلمانان در تاریخ‌نگاری برای جلوگیری از جعل، تحریف و تقلب در اخبار تاریخی به موضوع توثیق راویان و شنیدن شخصی از آگاهان به خبر رغبت داشتند و پس از

۱. سید صادق سجادی، تاریخ‌نگاری در اسلام، ص ۳۷-۴۷.

۲. همان، ص ۳۸.

۳. سید هاشم آقاچری، «روش اسنادی و گذار از آن در تاریخ‌نگاری اسلامی»، تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری، دوره جدید، ش ۱۳، ص ۲۵.

۴. سید صادق سجادی، تاریخ‌نگاری در اسلام، ص ۴۳.

شکل گیری منابع مکتوب، رجوع علما به این منابع در مجالس درس، بسیار مهم بود. اگر شخصی بدون مراجعه به منابع، معلوماتی را نقل می کرد، موجب شگفتی و بی اعتمادی می شد^۱، اما در منابع فرقه‌نگاری در موارد بسیاری، مأخذ اطلاعاتی که آورده می شود، مشخص نیست و در بیشتر موارد، فاقد ارجاع است. از آن جا که کتاب‌های ملل و نحل با دقت کمتری، اسناد خود را بیان می کنند، این شبهه درباره آن‌ها به وجود آمده است که این کتاب‌ها از قید هرگونه، سند و استنادی رها هستند.^۲

در متون فرقه‌نگاری، نشانه‌هایی پیرامون استفاده فرقه‌نگار از منابع، مأخذ و مرویات کسانی است که آشنایی کامل با موضوع مورد بحث داشته‌اند و نمی توان یک‌سره، منابع ملل و نحل را بی اعتبار دانست. برای مثال، مادلونگ^۳ بر این عقیده است که نوبختی در بخش اول کتاب خود بر کتاب *اختلاف الناس فی الامامة* هشام بن حکم (د. ۱۷۹ ه.ق.) و بخش دوم آن بر کتاب *المقالات ابو عیسی وراق* (د. ۲۴۷ ه.ق.) تکیه دارد.^۴

هم‌چنین، سعد بن عبدالله اشعری در المقالات و الفرق به بعضی از منابع خود اشاره می کند و از عباراتی مانند «حکی محمد بن عیسی بن عبید بن یقطین عن یونس بن عبدالرحمن»، «حدثنی محمد بن عیسی بن یقطین یقول» و «اخبرنی بذالک عن محمد بن نصیر ابو زکریا» استفاه می کند.^۵ او با بیان دو روایت در مورد یک موضوع، یکی را

۱. صادق آیینه‌وند، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، ص ۸۲.

۲. نعمت الله صفری فروشانی، *غالیان کاوشی در جریان‌ها و برایندها تا پایان سده سوم*، ص ۶۵ (نویسنده این کتاب به نقل از علامه عسگری، مطالبی در بی اعتباری نوشته‌های ملل و نحل آورده است).

۳. اسلام شناس و شیعه شناس آلمانی (Wilferd madeiung).

۴. ویلفرد مادلونگ، *مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه*، ص ۳۵۷-۳۷۴.

۵. اشعری سعد بن عبدالله، *المقالات و الفرق*، ص ۱۰۰.

بر می‌گزیند و از عباراتی مانند «و روی بعض الرواة عن جعفر بن محمد و غیره انه قتل و هو ابن خمس و ستین سنه و هو اصح القولین و ابینها»^۱، «و قال بعضهم لثمان لیال بقین من رجب یوم الخمیس و هو اصح الاخبار»^۲ استفاه می‌کند.

جست‌وجو در آثار مشایخ و اساتید فرقه‌نگارانی که آثارشان در دست است، منابعی را نشان می‌دهد که می‌توانستند مورد استفاده قرار گیرند. بحث منابع مورد استفاده فرقه‌نگاران از بعد دیگری نیز، قابل بررسی است. فرقه‌نگاران در زمینه‌های مربوط به فرقه‌ها دارای آثار و تخصص هستند و به نظر می‌رسد، مباحث فرقه‌نگاری ناظر به این آثار برای شاگردان ایشان ارائه می‌شده است. بیشتر افعالی که در موقع بیان به صورت قالت، قالوا و روی می‌آیند و اشاره‌ای به شخص گوینده نمی‌کنند برای آن‌ها شناخته شده بوده است.

مادلونگ بر این باور است که منبعی که مورد استفاده نوبختی و سعد بن عبدالله اشعری بوده است، جزئی از میراث علمی امامیه بوده است و آن‌ها نیازی نمی‌دیدند که نامی از نویسندگان آن به میان آورند.^۳ علاوه بر این، بعضی از اصطلاحات مانند گروهی از اهل علم، شیعه، اهل سنت و جماعت در متن کتاب نوبختی نشان می‌دهند که مصداق این اصطلاحات مشخص و شناخته شده بوده است و او گزارش‌های متفاوت آن‌ها را بررسی کرده است و متن خود را با سند و منبع تدوین نموده است.^۴

۳-۴. تأثیر ذهنیات متکلمان در نگارش منابع فرقه‌نگاری

بدون تردید علایق فرقه‌ای و مذهبی هم‌چون علایق سیاسی، طبقاتی و اجتماعی مورخ در تاریخ‌نگاری او منعکس می‌شود. بسته به نوع علایق مورخان، می‌توان

۱. همان، ص ۵۱.

۲. همان، ص ۱۰۰.

۳. مادلونگ ویلفرد، مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه، ص ۳۶۰.

۴. نوبختی، فرق الشیعة، ص ۵۹.

تفاوت‌هایی را در مضامین، عناصر و اجزای تاریخ‌نگاری‌ها مشاهده کرد.^۱ بیشتر مؤلفان ملل و نحل نویسی تلاش می‌کردند، خود را گزارش‌گر امین عقاید و باورهای فرقه‌های مختلف نشان دهند. نه مدافع یک اعتقاد خاص.^۲ ابوالحسن اشعری در مقدمه خود در *مقالات الاسلامیین* در این باره می‌نویسد:

کسانی که به بحث و گفت‌وگو در نظریات و آرای فرقه‌ها و دیانات پرداخته و کتاب‌هایی در این مسائل نوشته‌اند از سه دسته بیرون نیستند. یا در آنچه روایت کرده‌اند، کوتاهی روا داشته و در عقایدی که به مخالفان خود نسبت داده‌اند، راست‌گو نبوده‌اند و یا در بازگویی گفتار مخالفان، با انگیزه نکوهش بر دروغ، اصرار ورزیده‌اند. گروه سوم، بی‌آن‌که در باور مخالفان با ژرف‌نگری بیندیشند بر روایت گفتارشان، آنچه را که پنداشته‌اند برهانی بر الزام و شکست آن‌ها است، بی‌محابا افزوده‌اند. هیچ‌یک از این روش‌ها، راه حقیقت‌جویان و هوش‌مندان شناسنده نیست. با مشاهده این وضع ملت‌مس‌تو را در نگارش رساله‌ای که روشن‌گر آرا و اندیشه فرقه‌ها و دیانات‌ها باشد، پذیرا شدم.^۳

منابعی چون *مقالات الاسلامیین*، *فرق الشیعة* نوبختی، *المقالات و الفرق اشعری* در ظاهر، بی‌طرفانه همه اطلاعات فرقه‌ها را روایت می‌کنند، اما استفاده از عناوین گوناگون با بار معنایی خاص برای فرقه‌های مختلف، مانند رافضه برای شیعیان، پرداختن به بعضی جوانب و چشم‌پوشی از جوانب دیگر و ارائه تحلیل در بین مباحث نشان‌دهنده هدف و ارزش‌های ذهنی فرقه‌نگار است که به شکل‌گیری سنت‌های مختلف فرقه‌نگاری انجامیده است.^۴

۱. حسن حضرتی، تأملاتی در علم تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی، ص ۱۴۳.

۲. سید جلال حسینی نائینی، ترجمه کتاب *الملل و نحل شهرستانی*، ص ۱۸.

۳. ابوالحسن اشعری، *مقالات الاسلامیین*، مقدمه مؤلف.

۴. ویلیام مونتگمری وات، *فلسفه و کلام اسلامی*، ص ۷.

ذهنیات نویسندگان منابع فرق، حتی در انتخاب عنوان کتاب‌ها نمود یافته است. عناوین علاوه بر این که نشان دهنده دایره بحث آن‌ها است، رویکرد نویسنده را به مسئله فرق و فرقه‌نگاری نشان می‌دهد. گاه با تغییر رویکرد نویسنده نسبت فرق، کلمه عنوان هم تغییر کرده است که نمونه آن، کتاب *التنبیه و الرد علی اهل الالهواء و البدع* است. این عنوان نشان دهنده نوعی نگاه جانب‌دارانه نسبت به فرقه‌های منشعب از دین اسلام است که به گمان نویسنده، اهل بدعت و انحراف قلمداد می‌شدند. ابوالحسن ملطی (د. ۳۷۷ه.ق.) در این کتاب، حدیث تفرقه را مورد استناد قرار می‌دهد و بر طبق آن به نگارش اطلاعات فرقه‌ای می‌پردازد. این دیدگاه، مستلزم تعیین تکلیف فرقه‌ها در راستای ناجیه بودن و یا جهنمی بودن است که در عنوان کتاب انعکاس یافته است.

۴. نتیجه

بر اساس آنچه گفته شد، موضوع جانشینی پیامبر ﷺ سبب شکل‌گیری اولین تفرقه‌ها در جامعه اسلامی شد. هم‌چنین، جریان فتوحات باب‌آشنایی مسلمانان با اندیشه‌های جدید را گشود. در دوره خلافت عباسی، جامعه اسلامی شاهد تحولاتی در زمینه اندیشه و رقابت گروه‌های فرقه‌ای بود. در کنار این رقابت‌های فرقه‌ای، دستگاه خلافت به دنبال بهره‌برداری از وضعیت موجود به نفع خویش بود و به جذب و پشتیبانی از اندیشه‌ها و گروه‌ها و یا به طرد آنها به وسیله اتهامات فرقه‌ای و مبارزه با زندیقان می‌پرداخت.

ترجمه متون غیر اسلامی در ایجاد شبهات و تغییرات اندیشه‌ای فرقه‌های اسلامی، تأثیر زیادی داشت. در راستای مقابله با این شبهات، کلام اسلامی به سوی چارچوب‌ها و اصطلاحات منطقی و فلسفی رفت. در چنین شرایطی، گروه‌های فرقه‌ای به تدوین اصول مذاهب خویش می‌پرداختند. به دلیل این که مسائل کلامی در اسلام، ارتباط نزدیکی با رویدادهای تاریخ صدر اسلام داشت، متکلمان به بازخوانی رویدادهای تاریخی می‌پرداختند و علایق فرقه‌ای و ذهنیات آنها در این روایت‌ها تأثیر زیادی داشت.

ثبت و ضبط اندیشه‌های فرقه‌ای، حاصل کار متکلمان بود، اما با شیوه و روش مورخان، پیوندی نزدیک داشت. از نظر شیوه و روش، چون فرقه‌ها و گروه‌ها با اندیشه‌های بزرگان و عالمان خود شناخته می‌شدند، فرقه‌نگاری ترکیبی از شیوه‌های رجال و سرگذشت‌نامه نگاری بود که به صورت ترتیب زمانی زندگی و درخشش آن‌ها ارائه می‌شد. فرقه‌نگاران آثار خود را بر مبنای منابع و گزارش‌های متقدم مرتب می‌کردند، اما برخلاف مورخان، چندان اهمیتی به ارائه سلسله سند و منابع خود نمی‌دادند. این منابع را از نظر روش می‌توان به روش ترکیبی - تحلیلی نزدیک دانست که در آن، گزارش‌ها به صورت پیوسته و کمتر با اشاره مأخذ ارائه می‌شود.

منابع

۱. ابن بکار، زبیر، *الاخبار الموقیات*، تحقیق سامی مکی العانی، طبعه الثانية، بیروت: عام الکتب، ۱۴۱۶ه.ق.
۲. ابن طیفور، الفضل احمد بن ابی طاهر، *کتاب بغداد*، تحقیق سید عزت عطار الحسینی، طبعه الثالثة، قاهره: المكتبة الخانجي، ۱۴۲۳ه.ق.
۳. ابن فورک، ابی القاسم بن علی بن حسن هبة الله، *تبيين كذب مفتري فيما نسب الى الامام ابی الحسن الاشعري (د. ۵۷۱ه.)*، دمشق: مطبعة التوفيق، ۱۳۴۷ه.ق.
۴. ابن منظور، محمد، *لسان العرب*، طبعه الثالثة، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ه.ق.
۵. ابن ندیم، ابوالفرج محمد ابن ابی یعقوب اسحق، *الفهرست*، تحقیق رضا تجدد، تهران: مروی، ۱۳۶۶.
۶. _____، *الفهرست*، تحقیق ابراهیم رمضان، طبعه الثانية، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۷ه.ق.
۷. اسماعیلی، حبیب الله، «جستارهایی در تاریخ و تاریخ نگاری»، *کتاب ماه تاریخ جغرافیا*، تهران: خانه کتاب، ۱۳۸۹.
۸. اشعری، ابوالحسن، *مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین*، ترجمه دکتر محسن مؤیدی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۹. اشعری، سعد بن عبدالله، *المقالات و الفرق*، ترجمه یوسف فضایی، تهران: عطایی، ۱۳۷۱.
۱۰. _____، *المقالات و الفرق*، تصحیح محمد جواد مشکور، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۱.
۱۱. افرام البستانی، فؤاد، *منجد الطلاب*، ترجمه محمد بندر ریگی، تهران: انتشارات اسلامیه، ۱۳۸۹.
۱۲. اقبال، عباس، *خاندان نوبختی*، تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۵۷.
۱۳. السبکی، تاج الدین عبدالوهاب، *طبقات الشافعية الكبرى*، تحقیق محمود محمد الطنحی و عبدالفتاح محمد الحلو، الطبعه الثانية، بی‌جا: نشر هجر، ۱۴۱۳ه.ق.

۱۴. انصاری قمی، حسن، بررسی‌های تاریخی در حوزه اسلام و تشیع، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۵. آقاجری، سید هاشم، «روش اسنادی و گذار از آن در تاریخ‌نگاری اسلامی»، تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری، ۱۳۹۳، دوره جدید، شماره ۱۳.
۱۶. آقانوری، علی، «درآمدی بر شناخت مشهورترین آثار ملل و نحل (ویژگی‌ها و کاستی‌ها)»، طلوع، ۱۳۸۲، شماره ۵.
۱۷. آیین‌وند، صادق، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۷.
۱۸. بارانی، محمد رضا، بررسی تاریخی تعامل فکری سیاسی امامیه با فرقه‌های معتزله، اشاعره و حنابله در بغداد در عصر آل بویه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.
۱۹. بوهلال، محمد، اسلام اهل کلام، ترجمه علیرضا باقر، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۴.
۲۰. تهرانی، شیخ آقا بزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعة، طبعه الثالثة، بی‌جا: دار الاضواء، ۱۴۰۳.ق.
۲۱. جعفریان، رسول، «گزیده کتابشناسی توصیفی فرق اسلامی»، آیین پژوهش، ۱۳۶۹، شماره ۱ و ۲.
۲۲. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبد کاتب چلبی، کشف الظنون عن اسامی کتب و الفنون، بغداد: مکتبه المثنی، ۱۹۴۱.م.
۲۳. حسینی نائینی، سید جلال، ترجمه کتاب الملل و نحل شهرستانی، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، مؤسسه مطالعات اسماعیلی، ۱۳۹۵.
۲۴. حضرتی، حسن، تأملاتی در علم تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی، تهران: نقش جهان، ۱۳۸۱.
۲۵. خانجانی، قاسم، شیخ مفید و تاریخ‌نگاری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.
۲۶. دانش پژوه، محمد تقی، «کتابشناسی فرق و ادیان»، فرهنگ ایران زمین، ۱۳۴۳، شماره ۱۲.
۲۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، نسخه کتابخانه دیجیتال مدرسه فقاقت، بی‌تا.

۲۸. روزنتال، فرانتس، *تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام*، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶.
۲۹. زرین کوب، عبدالحسین، *تاریخ در ترازو*، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۷.
۳۰. زندیه، حسن، «تاریخ اجتماعی»، *تاریخ اسلام*، بهار و تابستان ۱۳۹۰، سال ۱۲، شماره ۱ و ۲.
۳۱. زین، محمد خلیل، *تاریخ الفرق الاسلامیه*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۵.ق.
۳۲. سجادی، سید صادق، *تاریخ‌نگاری در اسلام*، تهران: سمت، ۱۳۸۰.
۳۳. سخاوی، محمد بن عبدالرحمان، *الاعلان بالتوبیخ لمن ذم التاریخ*، ترجمه علی صالح احمد، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، بی تا.
۳۴. سلهب، حسن، *علم الکلام و التاریخ*، بیروت: مرکز الحضارة الفکر الاسلامی، ۲۰۱۱.م.
۳۵. شبلی نعمانی، محمد، *تاریخ علم کلام*، ترجمه سید محمد تقی فخر گیلانی، تهران: نشر رنگین، ۱۳۲۸.
۳۶. صابری، حسین، *تاریخ فرق اسلامی*، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۷.
۳۷. صفری فروشانی، نعمت الله، «راهنمای مطالعات فرقه‌شناسی اسلامی»، *هفت آسمان*، بهار و تابستان ۱۳۸۰، شماره ۹ و ۱۰.
۳۸. _____، *غالبان کاوشی در جریان‌ها و برایندها تا پایان سده سوم*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸.
۳۹. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث، ۱۹۶۷.م.
۴۰. طقوش، محمد سهیل، *دولت عباسیان*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
۴۱. طوسی، ابی جعفر، *اختیار معرفة الرجال معروف به رجال کشی*، تحقیق میرداماد استرآبادی، سید مهدی رجایی، قم: مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۴.ق.
۴۲. عبدالجبار بن احمد، *شرح اصول خمسة*، تعلیق احمد حسین هاشم، طبعه الثالثة، مکتبه وهبه، ۱۴۱۶.ق.

۴۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم: مؤسسه دار الهجرة، ۱۴۱۰.ق.
۴۴. فؤاد، سید، فضل الاعتزال، (ابوالقاسم بلخی، قاضی عبدالجبار، الحاکم جشمی)، بی‌جا: دار الکتب المصریه - دارالتونسیه للنشر، بی‌تا.
۴۵. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط والقابوس الوسیط فی اللغة، بیروت: دار العلم للجمیع، نسخه دیجیتالی کتابخانه مدرسه فقاقت، بی‌تا.
۴۶. قادری، عبدالواحد و آقاجری، سید هاشم، «تحولات اندیشه سیاسی مسلمانان در دوره میانه اسلامی»، جامعه شناسی تاریخی، دوره ۶، شماره ۲.
۴۷. کاشفی، محمد رضا، کلام شیعه ماهیت، مختصات و منابع، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.
۴۸. گنجی، محمد حسین، «عوامل مواجهه با علم کلام در فرهنگ اسلامی»، اندیشه دینی دانشگاه شیراز، زمستان ۱۳۸۳، شماره پیاپی ۱۲.
۴۹. مادلونگ، ویلفرد، مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه، ترجمه جواد قاسمی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۷.
۵۰. متز، آدام، تمدن اسلامی در قرن چهارم یا رنسانس اسلامی، ترجمه علیرضا ذکاتوی قراگوزلو، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۴.
۵۱. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ پنجم، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۴.
۵۲. مشکور، محمد جواد، فرهنگ فرق اسلامی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷.
۵۳. مصطفی، ابراهیم، معجم الوسیط، مجمع اللغة العربیة، قاهره: دار الدعوة، بی‌تا.
۵۴. معین، محمد، فرهنگ معین، دو جلد، تهران: کتاب راه نو، ۱۳۸۱.
۵۵. ملطی، عبدالرحمن، التنبیہ و الرد علی اهل الاهواء و البدع، تحقیق محمد زینهم محمد عزب، قاهره: مکتبۃ المدبولی، ۱۴۱۳.ق.

۵۶. مونتگمری وات، ویلیام، *فلسفه و کلام اسلامی*، ترجمه ابوالفضل عزتی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۰.
۵۷. میرموسوی، سید علی، «جایگاه و نقش اشعری در تأسیس کلام سیاسی اهل سنت»، *علوم سیاسی*، ۱۳۹۲، شماره ۶۴.
۵۸. ناظمیان فرد، علی، «مأمون و فتنه»، *پژوهش‌های تاریخی (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان)*، ۱۳۸۸، دوره جدید، شماره ۳.
۵۹. نجاشی، ابی العباس احمد ابن علی، *رجال نجاشی*، تحقیق محمد جواد نائینی، بیروت: دار الضوئ، ۱۴۰۸ ه.ق.
۶۰. نجمی زنجانی، محمد، *تاریخ فرق اسلامی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.
۶۱. نوبختی، حسن بن موسی، *فرق الشیعه*، ترجمه محمد جواد مشکور، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۹۰.
۶۲. نیومن، آندره، *مدرسه قم و بغداد، (در اواخر قرن سوم و اوائل قرن چهارم هجری)*، ترجمه سید صادق حسینی اشکوری، قم: زائر، ۱۳۸۴.
۶۳. ولوی، علی محمد، *دیانت و سیاست در قرون نخستین اسلامی*، تهران: دانشگاه الزهرا، ۱۳۸۰.